

تصویرسازی با نقش بز در
سفالینه‌های عصر مفرغ جنوب شرق
فلات ایران/ ۱۰۱-۱۱۹



نقش ثابت ردیفی از بزها بر روی
ظرف سفالی نخودی، شهر سوخته،
سمت راست، مأخذ: آرشیو
میراث فرهنگی استان سیستان و
بلوچستان

تصویرسازی با نقش بز در سفالینه‌های عصر مفرغ جنوب شرق فلات ایران

یاسین صدقی * مهدی رازانی **

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۳/۱۳

تاریخ داوری: ۹۸/۴/۲۳

تاریخ بازبینی: ۹۸/۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱

صفحه ۱۰۱ تا ۱۱۹

چکیده

طرح‌اندازی نقشمایه حیوانی بز یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد سفالینه‌های منطقه جنوب شرق ایران در هزاره سوم ق.م است. نقوش بز بر روی این سفالینه‌ها با اشکال، فرم‌ها و شیوه‌های مختلفی، همچون شبه طبیعت‌گرا و انتزاعی و یا با عناصر مشخص نژادی اجرا شده است. هدف اصلی این تحقیق شناسایی و تبیین انواع نقشمایه‌های بز موجود بر سطوح سفالینه‌های جنوب شرق ایران مبتنی بر مساله حرکت و پویانمایی در محوطه‌های باستانی شهر سوخته و تپه صادق سیستان، بمپور، کشیک، اسپیدژ و چگردک در بلوچستان در بازه زمانی عصر مفرغ است. سوال اصلی تحقیق عبارت است از اینکه؛ حرکت در نقوش بز تصویر شده بر سفالینه‌های جنوب شرق ایران در چه قالب‌های حرکتی بیان شده است؟ آیا می‌توان این نقوش را بر اساس ویژگی‌های حرکتی و پویانمایی آنها تقسیم‌بندی نمود؟ روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای این پژوهش به‌ثمر رسیده است. نتایج مطالعات انجام شده نشان داد نقش‌مایه‌های بز در سفال جنوب شرقی ایران از منظر تصویرسازی در قالب حالت‌های ثابت، نیمه‌متحرک و متحرک قابل تقسیم‌بندی است. نقوش ثابت طرح‌هایی هستند که جانور بدون هیچ‌گونه تحرک و نشانی از حرکت ترسیم شده است که بیشتر تصاویر محوطه‌های فوق در این دسته قرار می‌گیرند. در نقوش حیوانی نیمه‌متحرک، طرح‌هایی از بز در نظر گرفته شده که بدن حیوان حالتی از حرکت و جست‌وخیز دارد. اما در چند مورد خاص نقوشی با خواص پویانمایی چندمرحله‌ای و مصور از حیوان بز ترسیم شده است که معروف‌ترین آن جام سفالین شهر سوخته است. از همین رو علاوه بر تبیین این سه قالب در محوطه‌های فوق‌الذکر به معرفی نمونه‌های جدیدی از سفال‌های منطقه جنوب شرق، پرداخته شده است. شایان ذکر است طرح گسترش اندیشه نقوش متحرک و آشنایی هنرمندان پیش‌ازتاریخی با متحرک‌سازی تصاویر، طرحی تصادفی و مختص جام سفالین شهر سوخته نبوده و در دیگر نقشمایه‌های آثار سفالین جنوب شرق ایران قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی

سفال منقوش، نماد بز، تصویرسازی، پویانمایی باستان، عصر مفرغ

* کارشناس ارشد باستان‌سنجی، گروه باستان‌سنجی، دانشکده حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (مسئول مکاتبات)
Email: Sedghi.yassin@gmail.com

** استادیار گروه باستان‌سنجی و مرمت، دانشکده حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
Email: m.razani@tabriziau.ac.ir

مقدمه

گفت که انجام بررسی در رابطه با نقوش بز به‌عنوان پرتکرارترین نقش در پیش از تاریخ ایران می‌تواند موجب بازشناسی و تدوین اطلاعات مفیدی همچون، دسته‌بندی و تقسیم انواع نقوش، بررسی نوع حرکت نقوش براساس فرم بدنی و ایستایی جانوران رسم گردد. و در نهایت به شرح و گسترش نظریه آغاز پویانمایی در ایران در پیش از تاریخ بر اساس نقوش سفالینه‌های تاریخی بینجامد به‌علاوه با ارائه طرح‌های جدید پرداخت و تفکر پیشین مطرح شده درباره اختصاص طرح پویانمایی که تنها مختص به یک ظرف (جام پویانمایی شهرسوخته) است و اینکه طرحی تصادفی بوده، رد شود؛ و به این موضوع مد نظر قرار گیرد که مردمان باستان از شیوه حرکت‌دهی به نقوش آگاهی کاملی داشته‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات بخشی از داده‌ها حاصل فعالیت‌های میدانی در قالب فعالیت‌های مرمتی و پژوهش‌های فنی سفال‌های جنوب شرق است و بخش دیگر به‌صورت بررسی و مطالعات اسنادی در رابطه با منابع موجود حاصل از گزارش‌ها و نتایج ارائه شده در رابطه با اشیاء سفالی پیش از تاریخ گردآوری شده است. که تمام ایننتایج حاصل مطالعات نویسندگان از سال ۱۳۹۲ تا اکنون است، از همین رو در برخی از موارد که نویسندگان دسترسی به سفال‌های مذکور و نیز اطلاعات آنها را داشته‌اند گزارش می‌وسطرتی ارائه نموده‌اند، چراکه در بسیاری از محوطه‌ها تاکنون هیچ‌گونه گزارش رسمی منتشر نشده است. برخی از موارد ذکر شده در این مقاله حاصل بررسی‌های میدانی از محوطه‌ها، آثار موجود در موزه‌ها و انبارها، و نیز فعالیت‌های پژوهشی و مرمتی نویسندگان است. در جهت تکمیل نتایج به‌دست آمده از مطالعات کتابخانه‌ای و توصیفی در شرح نتایج استفاده شده است. در این پژوهش سعی شده است تا سفال‌های منقوش به حیوان بز در محوطه‌های عصر مفرغی (سفال‌های منقوش در بازه زمانی هزاره سوم ق. م.) سیستان و بلوچستان همچون شهرسوخته و تپه صادق در سیستان و بمپور، گورستان کشیک، گورستان اسپیدژ و چگردک در بلوچستان شناسایی و آنها را از منظر تحرک، به سه بخش ثابت، نیمه‌متحرک و تصاویر متحرک (دارای پویانمایی) تقسیم‌بندی نمود و سپس براساس تقسیم‌بندی سه گانه فوق به تحلیل نوع نقوش بز و نحوه ترسیم آنها پرداخته شود. جامعه آماری این پژوهش طیف گسترده‌ای از سفالینه‌های پیش از تاریخ جنوب شرق در ۸۰ نمونه بوده است که علائم و نقوش آنها بررسی گردیده است. به‌علاوه روش تجزیه و تحلیل در این مقاله روش تحلیلی - توصیفی در قالب مطالعات تطبیقی نقوش بوده است. از طرفی این پژوهش حاصل مطالعات کمی بر روی نقوش حیوان بز و تبیین اهداف مشخص از جمله تقسیم‌بندی نقوش براساس فرم و حرکت و شناساندن دیگر نقوش پویانمایی به جامعه

سفال و آثار سفالین یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین دست‌ساخته‌های بشر در طول دوران زندگی‌اش بوده است. سفال همواره برای مردمان باستان ابزاری برای ابراز ذوق و تمایلات هنری بوده است. این موضوع را می‌توان در ساخت انواع و اشکال آثار سفالین مشاهده کرد. سطح سفال‌ها حکم اوراق کتب را داشته تا هنرمندان و نقاشان پیش‌ازتاریخی به‌توانند به ثبت افکار و هنر خود بپردازند و مطالعه نقوش و طرح‌های موجود بر روی سطوح آثار سفالین می‌تواند به راز و رمزهای پنهان زندگی انسان‌های دوران باستان پی برد. به‌طور واضح‌تر می‌توان گفت که سطح سفال‌ها همانند یک کتاب عمل کرده تا هنرمندان دوران پیش از تاریخ مفاهیم، اندیشه‌ها، باورها و اعتقادات خودشان را بر روی آنها بازگو و به رشته تحریر درآورند. آثار سفالین ساخته شده در محوطه‌های باستانی سیستان و بلوچستان وابسته به اقلیم مناطق مختلف سیستان، براساس پوشش گیاهی و جانوری خاص تزئین شده‌اند. از مهم‌ترین نقوش ثبت شده توسط هنرمندان و نقاشان هزاره سوم ق.م. بر روی آثار سفالین، نقوش حیوانی بز است. نقش بز که یکی از جانوران خاص زیست‌بوم ایران و به‌ویژه جنوب شرق فلات ایران است، به‌طور گسترده‌ای بر روی سفالینه‌های این منطقه نقش بسته است. باهوکلات و کوه‌های جنوب استان سیستان و بلوچستان یکی از زیستگاه‌های بومی بزکوهی است اما به‌طورکلی حضور این نوع حیوان را می‌توان در بیشتر بخش‌های جنوب شرق ایران دید. از همین رو این حیوان یکی از مهم‌ترین و بارزترین حیوانات این منطقه بوده است که بیشتر جوانب زندگی مردم این منطقه بدان‌ها بستگی داشته است؛ به‌همین دلیل است که ما می‌توانیم در سرتاسر هنر این منطقه ردپای این حیوان را ببینیم. یکی از این هنرها سفالگری در هزاره سوم ق.م. است که سطح آنها با انواع جانوران محلی همچون بز تزئین شده‌اند که نیازمند مطالعه در زمینه‌های مختلف هنری، باستان‌شناسی و غیره هستند. نقوش رسم شده بر روی سفالینه‌های عصر مفرغ این منطقه فرم‌ها و شیوه‌های مختلفی دارند. مثلاً در بسیاری از موارد بزسانان به حالت‌های شبیه طبیعت‌گرا و انتزاعی (همچون شانه‌ای شکل) و یا با عناصر مشخص نژادی‌شان (همچون شاخ‌های بلند و هلالی‌شکل و یا ریش) اجرا شده است. از جمله اهداف این مقاله شناسایی و تبیین انواع نقوش مبتنی بر حرکت کشیده شده بر سطح سفالینه‌های باستانی جنوب شرق ایران در یک بازه عصر مفرغ است. در همین راستا سوال اصلی عبارت است از اینکه حرکت در نقوش بز تصویر شده بر روی سفالینه‌های جنوب شرق ایران در چه قالب‌هایی بیان شده است؟ و آیا می‌توان یک تقسیم‌بندی قابل قبولی برای انواع نقوش بز در سفالینه‌های جنوب شرق بر اساس ویژگی‌های حرکتی آنها بیان نمود؟

در رابطه با اهمیت و ضرورت این تحقیق می‌توان

باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران است.

پیشینه تحقیق

مطالعات باستان‌شناسی و تاریخی نشان می‌دهد که حیوان بز در نظر مردمان باستان بسیار محترم و مقدس بوده است، چراکه زندگی مبتنی بر دامداری - کشاورزی برخی جوامع انسانی خصوصاً در ایران باستان تاحدی وابسته به این حیوان بوده است. به همین دلیل این جانور همیشه در بخشی از زندگی انسان همراه آن بوده است، به طوری که نقش آن را می‌توان در سنگ‌نگاره‌ها، نقاشی‌های دیواری، داستان‌های اساطیری و حتی نقوش روی سفالینه‌ها در ادوار مختلف مشاهده نمود. گستردگی استفاده و کاربرد این نقش را می‌توان در کل فلات ایران دید، به طوری که استفاده از نقش حیوان بز در جنوب شرق ایران نیز همچنین یکی از کلیدی‌ترین و پرکاربردترین نقوش باستانی و تاریخی بوده است. از این رو بسیاری از پژوهشگران جنوب شرق به دنبال بررسی این نقوش بوده‌اند که نقش حیوان بز را بر روی سنگ‌نگاره‌های بلوچستان یافته‌اند و به مطالعه و تحلیل آنها پرداخته‌اند؛ از جمله این پژوهش‌ها بر روی سنگ‌نگاره‌های جنوب شرق می‌توان به مقالات فرشته سرحدی (Sarhaddi, 2013)، حسین مرادی و همکارانش (Moradi et al, 2013)، حسین سرحدی‌دایان و همکارانش (SarhadiDadian et al, 2015)، روح‌الله شیرازی (Shirazi, 2016) اشاره نمود، همچنین در دیگر مناطق ایران می‌توان به برخی از پژوهش‌هایی همچون به مقاله احمد سرخوش و همکارانش (Sarkhosh et al., 2015)، کریمی و همکارانش (Karimi et al., 2016)، محمود بختیاری‌شهری (بختیاری‌شهری، ۱۳۸۸)، خلیل‌الله بیگ‌محمدی و همکارانش (بیگ‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۲) و جمشید صمدی‌بگ‌جان و علی بهنیا (صمدی‌بگ‌جان و بهنیا، ۱۳۹۴) و علیرضا خسروزاده و همکارانش (Khosrowzadeh et al., 2017) اشاره نمود. همچنین بسیاری از دیگر پژوهشگران به بررسی نقوش حیوانی سفال‌ها و دیگر آثار منقول در جنوب شرق پرداخته‌اند که برخی از این پژوهش‌ها عبارتند از: بررسی‌های دکارتی بر روی آثار محوطه بمپور (Decardi, 1968)، فرانسوا دسه بر روی آثار جیرفت (Desset et al, 2017) و سیدرسول موسوی‌حاجی و علی پیری (موسوی‌حاجی و پیری، ۱۳۸۸). البته پژوهشگران متعددی به بررسی نقوش حیوانی بز بر روی ظروف سفالی مناطق مختلف ایران پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به غلامرضا معصومی (معصومی، ۱۳۴۹)، عباس نوزایی و سعیدمحمد شهبخش (نوزایی و شهبخش، ۱۳۸۵)، پایان‌نامه ساناز دهقان (دهقان، ۱۳۸۹)، سحر چنگیز و رضا رضالو (چنگیز و رضالو، ۱۳۹۱)، عفت‌السادات افضل‌طوسی (افضل‌طوسی، ۱۳۹۱)، ابوالقاسم دادور و همکارانش (دادور و همکاران، ۱۳۹۳)، کرم میرزایی و فهیمه داورزن (میرزایی و داورزن، ۱۳۹۴) و مهسا

بهنود و همکاران (بهنود و همکاران، ۱۳۹۵) اشاره نمود. اما در برخی از محوطه‌های استان سیستان و بلوچستان سفال‌گران از نقوش تزئینی استفاده کرده‌اند که با بسیاری از دیگر نقوش متفاوت است، که همان استفاده از تصاویر متحرک یا پویانمایی نیز است. کاربرد اولیه اصطلاح پویانمایی مربوط به جام سفالین شهرسوخته است که بسیاری از پژوهشگران از جمله پیپرنو و سالوادوری (Piprno & Salvatori, 1983) و سیدمنصور سیدسجادی (سیدسجادی، ۱۳۸۳؛ ۱۳۹۷؛ ۱۳۹۸)، محمدرضا رئوفی (رئوفی، ۱۳۸۷) و دیگران در پژوهش‌های خود از جمله (خضایی و مرایی، ۱۳۹۰؛ سراوانی، ۱۳۹۴؛ ۱۳۹۶؛ عارف، ۱۳۹۷) به آن اشاره نموده‌اند و آن را از دیدگاه‌های مختلف تفسیر و تعبیر کرده‌اند. از پژوهش‌های دیگری که در رابطه با سفال‌های منقوش متحرک می‌توان نام برد، مقاله یاسین صدقی و همکارانش (صدقی و همکاران، ۱۳۹۶) بر روی خمره چرخه زندگی و مقاله روح‌الله شیرازی در رابطه با معرفی و نقش بز متحرک بر روی سفال خاکستری تپه صادق (شیرازی، ۱۳۹۷) نیز است. در نهایت باید عنوان نمود که برخی دیگر از پژوهش‌ها و مطالعات در زمینه مورد نظر در متن اصلی پژوهش مورد استفاده و بدان‌ها ارجاع داده شده است.

نگاهی کوتاه به نقش بز در ایران باستان

اقوام باستانی بز کوهی را مظهر یکی از عوامل طبیعی سودبخش می‌دانستند؛ مثلاً در لرستان حیوان بز خورشید و وابسته به خورشید بود و گاهی نیز بز کوهی مظهري از فرشته باران بود، زیرا از زمان‌های بسیار کهن ماه با باران و خورشید با خشکی و گرما رابطه داشته است و چون میان شاخ‌های خمیده بز کوهی و هلال ماه نیز رابطه‌ای وجود دارد از این رو مردمان باستان عقیده داشتند که شاخ‌های پر پیچ‌وخم بز کوهی در نزول باران مؤثر است. در شوش و ایلام بز کوهی مظهر فراوانی و رب‌النوع روئیدنی‌ها خوانده می‌شد. در سومر بز کوهی نمایش‌دهنده خصیصه حیوانی خدای بزرگ بود، چنان‌که خدای بزرگ در نقش خدای نباتات ظاهر شده و شاخه درختی در دست دارد و بز کوهی برگ‌های آن شاخه را می‌خورد (معصومی، ۱۳۴۹). با مطالعه آثار برجای مانده از دوران پیش‌تاریخ ایران، پراکندگی زیادی در توزیع حضور تقشمايه بز کوهی در ایران باستان شاهد هستیم (افضل طوسی، ۱۳۹۱). حضور این نقش را بر روی سنگ‌نگاره‌های دوران پارینه سنگی تا آثار مفرغی و سفالین عصر مفرغ، آهن و حتی در آثار دوران اسلامی می‌توان مشاهده کرد. آثار برجای مانده حکایت از این موضوع دارد که هنرمندان ایران باستان دارای مهارتی بالا در تجسم و بازنمایی حیوانات دارای شاخ به‌ویژه بز بوده‌اند، این مهم را در تکنیک‌های طراحی و ترکیب‌بندی‌های منحصر به فرد نقشمايه بز می‌توان مشاهده کرد. این نقشمايه را می‌توان در آثار به‌دست آمده از شوش، تپه حصار، تل باکون، سیلک، گودین تپه، تپه گیان،

جدول ۱. برخی آثار سفالین با نقشمایه بز که از مناطق مختلف ایران به دست آمده است. مأخذ: نگارندگان

توضیحات	اثر با نقش بز	توضیحات	اثر با نقش بز
ردیفی از بزهای کوهی، کنار صندل جیرفت، مأخذ: Majidzadeh & Pittman, ۲۰۰۸: ۹۱		ظرف سفالین با نقش مایه بز، مکشوف از گودین تپه، مأخذ: میرزایی و داورزن، ۱۳۹۴: ۶۱	
لیوان به دست آمده از شوش با نقش بز، نیمه دوم هزاره چهارم ق.م، مأخذ: Carter, ۱۹۹۲: ۳۲		نقش بز بر روی خمره سفالی نخودی/ سبز شهداد بز در کنار درخت زندگی، مأخذ: حاکمی، ۱۳۸۵: ۶۹۸	
ظروف سفالی با ردیفی از نقشمایه بز، تپه سیلک، مأخذ: Vidale et al., ۲۰۱۸: ۱۰		ظروف سفالی با ردیفی از نقشمایه بز، تپه سیلک، مأخذ: Vidale et al., ۲۰۱۸: ۱۰	
ظرف سفالی از تپه گیان، دو بز در حال خوردن از درخت زندگی، مأخذ: معصومی، ۱۳۴۹: ۴۲		سفال منقوش از تپه حصار دامغان، مأخذ: کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۷۸؛ شفیع سرارودی و حسن نسب، ۱۳۹۷: ۹۷	
نقش ردیفی از بزها بر روی خمره از کنار صندل جیرفت، مأخذ: Majidzadeh & Pittman, ۲۰۰۸: ۹۱		تکه سفال با نقش بز از محوطه دره بلاغی، مأخذ: &Azarnoush Helwing, 2005: 206	

دره بلاغی، شهاد و غیره مشاهده کرد (جدول ۱).

تقسیم‌بندی سفالینه‌های منقوش مکشوف در جنوب شرق (سیستان و بلوچستان) تصویرسازی با نقوش ثابت

در این بخش به مطالعه سفال‌هایی با نقش بز (در حالت ثابت و بی‌حرکت) پرداخته می‌شود. در محوطه‌های جنوب شرق از جمله شهر سوخته زابل، گورستان کشیک شهرستان نیکشهر، محوطه چگردگ جلگه چاه هاشم دلگان، محوطه بمپور در شهرستان ایرانشهر، اسپیدژ در شهرستان ایرانشهر و دیگر محوطه‌ها، ظروف سالم و شکسته سفالی در ابعاد و طرح‌های گوناگون به دست آمده است. این ظروف سفالی دارای نقوش جانورانی مانند عقرب، قوچ، ماهی، پرندگان و بز کوهی هستند که بر اساس زیست‌بوم منطقه می‌توان آنها را به راحتی شناسایی و تشخیص داد. بز که یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین نقوش‌های ترسیم شده توسط هنرمندان نقاش بر روی سفال‌های جنوب شرق است در بسیاری از سفال‌های خاکستری، قرمز و نخودی می‌توان آن

را یافت. این نقش‌ها به صورت تک حیوان در کادرهای جداگانه و یا به صورت ردیفی از حیوان‌های بز با نقوش ثابت با رنگ‌های سیاه و قهوه‌ای ترسیم شده‌اند (تصاویر ۲، ۳ و ۴).

تصاویر با نقوش نیمه متحرک

بر روی تعدادی از ظروف و اشیاء سفالین به دست آمده از جنوب شرق ایران، می‌توان ردیفی از بزها را که در پشت سرهم قرار گرفته‌اند مشاهده نمود. در این‌گونه تصاویر می‌توان دو فرض را از دیدگاه نقاش پیش از تاریخی طرح کرد: اول اینکه هنرمند گله‌ای از بزها را در ردیفی و پشت سر هم نقش بسته یا دوم اینکه او یک بز را که در حالت حرکت و خیز قرار دارد بر روی ظروف سفالین ترسیم نموده است. تعدادی از اینگونه ظروف منقوش از محوطه‌هایی همچون شهر سوخته، کشیک، اسپیدژ، بمپور و محوطه چگردگ و دیگر محوطه‌ها به دست آمده است (تصاویر ۵، ۶ و ۷).

تصاویر متحرک (پویانمایی)

پویانمایی نمایش متوالی و سریع تصاویری از اثر هنری



تصویر ۱. عکس گرفته شده از یک بز در بلوچستان با نژاد سیستانی شهرستان میرجاوه، سال ۱۳۹۴، سمت چپ، مأخذ: نگارندگان. تصویر بز کوهی (پازن) سیستان و بلوچستان، سمت راست و وسط، مأخذ: www.negahmedia.ir



تصویر ۳. نقش ردیفی از بزها بر روی ظرف سفالی از چگردگ، (موزه جنوب شرق زاهدان)، مأخذ: همان



تصویر ۲. گله و ردیفی از بزهای کشیده شده بر روی یک بشقاب سفالی از شهر سوخته، (موزه جنوب شرق زاهدان)، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۵. دو ردیف از نقوش نیمه‌متحرک بز بر روی جام سفالین از شهر سوخته، سمت راست، مأخذ: آرشیو موزه منطقه‌ای جنوب شرقی



تصویر ۴. نقش حیوان بز با شاخ‌های برگشته و بوته گیاهی، مأخذ: سیدسجادی، ۱۳۹۸: ۲۵۶



تصویر ۶. ردیفی از نقوش بز بر روی خمره کوچک سفالی از چگردک، سمت چپ (موزه جنوب شرقی زاهدان)، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۷. ترکیب چند بز به دنبال هم، سیدسجادی، ۱۳۹۸: ۲۵۵



تصویر ۸. پویانمایی بز و تغذیه از درخت زندگی بر روی جام سفالین شهر سوخته، مأخذ: Piprmo&Salvatori, 1983: 189

نقش‌هایی که روی سفالینه‌های شهر سوخته ترسیم کرده‌اند باز می‌گردد، که توانسته‌اند اولین تصویر متحرک جهان را پدید آورند (تصویر ۸). پویانمایی در لغت به معنی زنده کردن، جان دادن و حرکت بخشیدن است (ارشاد و دادگران، ۱۳۹۱). اما درست است که طبق یافته‌های باستان‌شناسی تنها سابقهٔ اولین پویانمایی را به جام سفالین شهر سوخته نسبت داده‌اند، به همین جهت ما برآنیم تا با ارائهٔ تصاویری دیگر از نقوش متحرک و داستان‌آمیز بز این موضوع را کمی بیشتر گسترش و بست دهیم.

سفالینه‌های مکشوف از محوطه‌های عصر مفرغ جنوب شرقی فلات ایران شهر سوخته سیستان

محوطه شهر سوخته از جمله معروف‌ترین و مهم‌ترین محوطه‌های جنوب شرقی ایران است که در بخش سیستان استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. این شهر امروزه در منطقهٔ بیابانی و خشک در میان نمک‌زارهای وسیع واقع شده، اما در هزاره‌های پیش از تاریخ سرزمین بسیار مناسب جهت کشاورزی، دامپروری، صنعت و به‌ویژه سفالگری بوده است (سیدسجادی، ۱۳۹۱). شهر سوخته یکی از محوطه‌هایی است که مقدار تولید سفال آن به علت زیادی جمعیت و گستردگی بیش از حد

دو بعدی، یا موقعیت‌های مدل‌های واقعی، برای به‌وجود آوردن توهم حرکت و جابجایی است. حرکت روان تصاویر و نقش‌های متحرک در پویانمایی‌ها، به علت خطای دیدی است که به دلیل پدیدهٔ ماندگاری تصاویر به‌وجود می‌آید (ارشاد و دادگران، ۱۳۹۱). برطبق دایره‌المعارف هنر، متحرک‌نمایی یا پویانمایی، روش جاندار نمودن چیزها و ایجاد تصور حرکت در تصاویر یا اشیاء بدون جان است (پاکباز، ۱۳۹۳؛ عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ کرمی، ۱۳۹۴). پویانمایی هنر حرکتی است که طراحی شده‌اند و نه طراحی‌هایی که حرکت می‌کنند. پویانمایی یک هنر رسانه قدرتمند و تاثیرگذار است که می‌تواند به صورت استعاری، مشکلات و مسائل پیرامون بشر و جهان را بیان کند. این هنر از آرزوی دیرین بشر برای جان بخشیدن به واقعیتی خارج از خود ناشی می‌شود و حتی انسان غارنشین در جست‌وجوی راهی برای حرکت دادن به طراحی‌های خود بوده است. در پویانمایی می‌توان با ساده‌ترین فکر و ابزار، آثاری را آفرید که بینندگان را به تفکر وادارد و با آنها ارتباط عمیق برقرار کند (ارشاد و دادگران، ۱۳۹۱). در واقع افسون هنر پویانمایی، نمایش جوهرهٔ حرکت زندهٔ چیزهایی است که ایستا و بی‌حرکت به نظر می‌رسند (شاه‌کرمی و همکاران، ۱۳۸۷). به طوری که سابقه و پیشینهٔ پویانمایی به پنج هزار سال پیش و توسط هنرمندان ایرانی در



تصویر ۱۱. نقش ثابت ردیفی از بزها بر روی ظرف سفالی نخودی شهرسوخته، مأخذ: آرشیو میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان



تصویر ۱۰. لیوان گلابی شکل بانقش جانوری بز و گوزن در موزه منطقه‌ای جنوب شرق زاهدان، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۹. مجموعه نقوش جانوری بز و گوزن بر روی لیوان‌های گلابی شکل، مأخذ: مرادی، ۱۳۸۸: ۲۴۱



تصویر ۱۳. نقش حیوان بز با شاخ‌های برگشته و بوته گیاهی، مأخذ: سیدسجادی، ۱۳۹۸: ۲۵۶



تصویر ۱۲. نقش ثابتی از ردیف بزها بر روی یک خمره دردار سفالی از شهرسوخته، موجود در موزه منطقه‌ای جنوب شرق، مأخذ: نگارندگان

نوع شکل بز رسم شده بر روی سایر ظروف بسیار بیشتر است (تصویر ۱۱ و ۱۲). تعدادی از نقوش موجود بر روی سفال‌های شهرسوخته همچون تصویر ۱۳ و ۱۴ به خوبی نیمه متحرک بودن حیوان و جست و خیز آنها را می‌توان دید. در یکی از جام‌های به دست آمده که شبیه جام پویانمایی سفالین است نقاش و هنرمند سعی کرده است که حرکت و دویدن بزها را در کنار رمه به تصویر بکشد (تصویر ۱۴).

در میان یافته‌های مکشوف از حفاری‌های باستان‌شناسی سال ۱۳۹۶ یک ظرف سفالین کم‌نظیر و منحصر به فرد رنگارنگ پیدا شده است. بر روی بدنه بیرونی این ظرف نقش ساختاری پلکانی رسم شده که نقش کوهی را نشان داده و نیز شکل یک بنای کوچکی در بالای آن مشهود است. تعدادی بز از سمت کوه پلکانی به قلّه آن در حال صعود هستند و از سمت دیگر آن از کوه پایین می‌آیند. در زیر کوه نقش آبستره مردی رسم شده که به نظر می‌آید با دستان خود کوه را نگه داشته است و جای‌های خالی موجود در روی صحنه با نقش خورشیدی در حال نورافشانی، و یا چشمی در حال نظارت آمده است. این خمره دارای درپوشی سفالی، منقوش به نقش خورشید و یا چشمی باز است (سیدسجادی، ۱۳۹۷). در تصاویر بز کشیده شده بر روی این ظرف سفالین در زیبایی تمام به بزهای بالا رفته از دیوار عمق میدان داده شده است به طوری که تعدادی از آنها که دورتر و هرچه به قلّه دیوار/کوه نزدیک‌ترند کوچک کشیده شده‌اند و بزهایی

شهرها و روستاهای آن بسیار زیاد بوده است. سفال‌های این منطقه، معمولاً نخودی رنگ چرخ‌ساز و دارای تمپر ماسه بادی و نرمی است. سفال‌های ساده دارای بدنه ناهموار و تقریباً زیر هستند و از نظر ساختمانی، جزو گروه استاندارد به‌شمار می‌روند و سفال نوع خشن یا ظریف در میان آنها نادر است. ظروف سفالی به فرم‌های مختلف و از جمله ظروف سفالی شامل لیوان، ساغر، جام، انواع کاسه‌ها، بشقاب‌ها، سینی‌ها، خمره‌های بزرگ و کوچک، کوزه‌ها، دیگ‌ها، پیاله‌ها، گلدان‌ها و دیگر اشکال هستند. سفال شهرسوخته به دو گروه کلی نخودی و خاکستری تقسیم می‌شود و گاهی به صورت جسته و گریخته سفال‌های قرمز دیده می‌شوند (مورگاورو، ۱۳۸۷: ۳-۴). اگرچه نقشمایه‌های جانوری بر روی سفال شهرسوخته از تنوع چندانی برخوردار نیست اما با این حال این گوناگونی بر روی لیوان‌های گلابی شکل به حداقل می‌رسد و تنها مربوط به نقش بز می‌شود. این نقش به تنهایی هرگز به کار نرفته و تنها با ترکیب سازه هندسی کاربرد دارد. این سازه، سازه‌ای بسیار خاص است و تقریباً جز بر روی سفال شهرسوخته در هیچ نمونه سفال دیگری از نقاط دیگر به کار نرفته است و تنها بر روی سفال بلوچستان هم‌زمان نقوش مشابهی از این دست کاربرد داشته است (تصویر ۹ و ۱۰). (مرادی، ۱۳۸۸). نقشمایه بز به صورت منفرد و یا ردیفی که ثابت هستند را می‌توان هم بر روی لیوان‌های گلابی شکل و هم بر روی سایر ظروف مشاهده کرد که تنوع



تصویر ۱۶. خمره رنگارنگ با نقوش تعدادی بز که از ردیفی پلکان به بالا و پایین در حرکت هستند، مأخذ: سیدسجادی، ۱۳۹۷: ۲۸۱



تصویر ۱۵. نقشی از بزهای پشت سرهم در سه ردیف بر روی خمره از شهر سوخته، مأخذ: سیدسجادی، ۱۳۸۳: ۶۵



تصویر ۱۴. نقش ردیفی از بزهای نیمه متحرک بر روی جام سفالین نخودی شهر سوخته، مأخذ: Piprmo&Salvatori 1983: 179

این نقوش هوشمندانه استفاده نموده‌اند. کثرت چنین نقوشی علاقه هنرمندان نقاش شهر سوخته به پویایی و حرکت در نقوش ایستا بوده و نشانگر آن است که خلق صحنه‌هایی از حرکت بز و رسیدن آن به درخت و تغذیه کردن از آن اتفاقی و وارداتی نیست (مجموعه تصویر ۲۰؛ سراوانی، ۱۳۹۴).

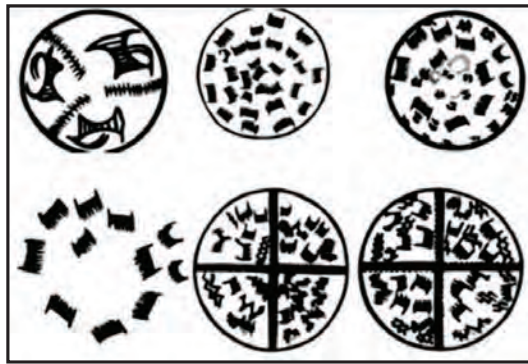
”یکی دیگر از آثاری که نقش درخت آسوریک یا درخت زندگی بر روی آن ایجاد شده، پیشانی‌بند طلایی موزه آذربایجان است. باتوجه به مشخصات ظاهری اثر و محل پیدا شدن آن، کارکرد شیء موردنظر می‌تواند به‌عنوان پیشانی‌بند تزئینی باشد و یا احتمالاً در مراسمات آیینی و مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در بخش میانی آن، درخت آسوریک نقش شده است که در دو طرف این درخت زندگی، مجموعاً هشت بز کوهی به‌صورت قرینه درحالی‌که سر و گردن همه آنها به‌طرف پایین خم شده و همه آنها به یک شکل نقش شده‌اند، دیده می‌شود. در قسمت انتهایی شیء مورد نظر و پشت سرنقوش مربوط به بزهای کوهی، دوخط عمود و موازی به‌صورت نقاط برجسته که در داخل آنها سهم ثلث متساوی الاضلاع به‌صورت نقطه‌چین برجسته قلم زنی شده دیده می‌شود.“ نمونه‌های مشابه آن را می‌توان در جام طلایی مکشوفه از آرامگاه شماره ۲۴ مارلیک، مهر استوانه‌ای از جنس بدل چینی، جام طلایی لرستان در موزه هنرهای زیبای بوستون، سینه‌بند زرین زیویه، پلاک عاج زیویه با دو بز کوهی در دو سوی یک درخت مقدس، تابوت‌های مفرغی موجود در موزه بیرمنگام و قطعه گلدان آبی مصری با نقش بز کوهی همراه با درخت مقدس مکشوفه از حسنلو و غیره مشاهده کرد (تصویر ۲۱؛ نویدبگلو و حسینی‌نیا، ۱۳۹۶).

بزهای کوهی که بر روی ظروف سفالین این دوره به‌کار رفته است، اکثراً یا به‌صورت ردیف‌های پشت سرهم درحالت جهش ترسیم شده و یا در قاب‌های مجزایی که بزها حالت ایستا دارند و گاهی نیز از ترکیب هر دو روش استفاده شده است مثل تصویر اولین پویانمایی جهان، در این تصویر حرکت همواره از سمت چپ به راست است و در هر شرایطی حیوان را از نیم‌رخ

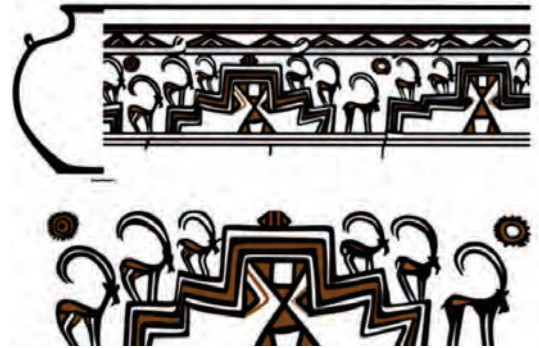
که در پایین کوه هستند، بزرگ‌تر اجرا شده‌اند. در این تصویر به‌خوبی نیمه متحرک بودن بزها و تلاش برای بالارفتن از دیوارها را می‌توان مشاهده کرد (تصویر ۱۶ و ۱۷).

یکی دیگر از این شاهکارها، ظرف سفالین نقاشی شده گفت‌وگوی بز و درخت خرما است که به درخت آسوریک ایرانی معروف گردیده و متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد و مربوط به شهر سوخته زابل می‌باشد. نقاشی متحرک در ۵ فریم تقسیم گردیده که به نظر پاره‌ای از اسطوره‌شناسان، بز و درخت خرما، نماد آسوری ایرانی به نشانه روابط تنگاتنگ دامداری و کشاورزی بوده است (عارف، ۱۳۹۷). تصویر بز در کنار درخت زندگی از رایج‌ترین نقش‌مایه‌های هنر خاور باستان به‌شمار می‌آید، این حیوان پرزور از دیرباز مظهر قدرت به‌شمار می‌رفته و همواره حیوان جلودار رمه بوده است (تصویر ۱۸) (پوپ، ۱۳۸۴: ۱۰). او را تجسم باروری انسان‌ها و گله‌ها می‌دانسته‌اند. بز کوهی به‌سبب زندگی بر بلندای کوهساران و شباهت شاخ‌هایش به هلال ماه نیز ستایش گردیده و او را در ارتباط با باران و باروری دانسته‌اند (طاهری و سلطان مرادی، ۱۳۹۲). منظومه درخت آسوری یک مناظره مفاخره‌آمیز است که میان نخل و بز روی داده است (آذرانداز، ۱۳۹۳). در جام سفالین شهر سوخته با نقش بز و درخت نخل، که از منحصر به‌فردترین تصاویر به‌دست‌آمده از این تمدن بوده، در بردارنده داستان اسطوره‌ای مطرح شده حاضر است که درخت نخل را با برگ‌های شانه‌ای و تنه‌ای چون میخ، ثابت بر زمین و بز را درحال پرش به‌سمت درخت ترسیم نموده‌اند و تشابه مضمون سفال را با شرح داستان منظومه درخت آسوریک به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد (حسین‌آبادی و داور، ۱۳۹۰). داستان مذکور در بسیاری از آثار سفالین، سنگی و فلزی می‌توان مشاهده کرد که در ادامه به‌برخی از آنها پرداخته خواهد شد (تصاویر ۸ و ۱۹).

در اکثر نقوش حیوانی شهر سوخته می‌توان پویایی و حرکت را مشاهده نمود، به‌ویژه که هنرمندان نقاش از شکل و فرم ظروف هم برای نشان دادن حرکت



تصویر ۱۸. گله‌های بز در داخل بشقاب‌های نخودی سفالی شهرسوخته، مأخذ: همان، ۲۵۵



تصویر ۱۷. طرح موجود بر روی خمره رنگارنگ شهرسوخته، مأخذ: سجادی، ۱۳۹۸: ۲۵۵



تصویر ۱۹. پویانمایی بز و تغذیه از درخت زندگی بر روی جام سفالین شهرسوخته، مأخذ: آرشیمیراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان

متوسط خاکستری رنگ است که در سطح داخلی آن و در قسمت نزدیک به کف ظرف نقوش بزهایی درحال جست‌وخیز دیده می‌شود. روح‌الله شیرازی در مورد این قطعه ظرف و نقوشش نوشته است که پس از بررسی دقیق‌تر این نقوش و نیز بازسازی نقش مشخص گردید که نقشمایه‌های تصاویر متحرک، بزى در حال جست‌وخیز بر روی پشته‌هایی را نشان می‌دهد. این نکته نشان می‌دهد که در سیستان هزاره سوم قبل از میلاد پویانمایی یا بیان تصویری متحرک، شیوه‌ای مرسوم در میان طراحان و سفال‌گران بوده است (تصاویر ۲۲ و ۲۳) (شیرازی، ۱۳۹۷).

گورستان کشیک

گورستان کشیک در غرب جاده نیکشهر به قصرقند و در ۱/۵ کیلومتری روستای کشیک قرار دارد و شامل یک محوطه مسطح با تعدادی از سلسله تپه‌های به هم چسبیده است. مساحت این محوطه در حدود ۳۵ هکتار است که تپه‌های کوچک‌تر مساحتشان از حدود ۲ هکتار تجاوز نمی‌کند. گورستان باستانی کشیک (گورستانی عصر مفرغی) یا کشیک (به معنای کناره رود) نام خود را از محلی به همین نام در حومه شمال شرقی نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان گرفته است (صدقی و همکاران، ۱۳۹۶). کشیک یکی از استقرارهای مهم از اوایل هزاره سوم ق.م تا سده‌های ابتدایی هزاره دوم قبل از میلاد است که شواهد تخصص‌گرایی و وجود طبقات مختلف اجتماعی در آن قابل مطرح نمودن است (گرگی

ترسیم کرده‌اند و در پاره‌ای از موارد تنها شاخ‌های او به تصویر درآمده است. به‌طورکلی نقش بز کوهی در تمدن شهرسوخته در جهت واقع‌نمایی پدیدار می‌گردد (پوپ، ۱۳۸۴: ۳۸۲). به‌طوری‌که بسیار پویا و سیال ترسیم شده و حالات زنده بودن و حرکت داشتن را به بیننده بسیار خوب انتقال می‌دهد. ترسیم این نقش با چند خط مختصر و ساده صورت می‌گیرد اما بسیار گویا و تأثیرگذار است و تناسب طبیعی طرح در هر شرایط حفظ شده است (دهقان، ۱۳۸۹: ۶۴).

تپه صادق سیستان

تپه صادق از جمله محوطه‌های اقماری و هم دوره با شهرسوخته بوده که در بیست کیلومتری جنوب‌غرب آن واقع شده است. بخش‌های زیادی از محوطه مذکور فرسایش یافته و تنها بخش‌های مرتفع آن (که مساحت زیادی را هم تشکیل نمی‌دهد) سالم باقی‌مانده است. این محوطه از آن دسته روستاهای اقماری است که در فاز شهرنشینی دشت سیستان در اواسط هزاره سوم پیش از میلاد شکل گرفته است. براساس داده‌های به‌دست آمده از کاوش‌ها، شکل‌گیری این محوطه در حدود سال‌های ۲۸۰۰ بوده و تا ۲۳۰۰ پیش از میلاد تداوم یافته است. سفال‌های به‌دست آمده از این محوطه براساس رنگ بدنه سه طیف نخودی، خاکستری و قرمز را به خود اختصاص می‌دهند (شیرازی، ۱۳۸۹). اما یکی از یافته‌های جالب‌توجه و خاص در این محوطه که از کارگاه شماره ۹ آن به‌دست آمده بخشی از یک کاسه



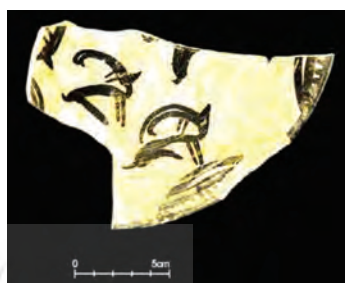
تصویر ۲۱. پیشانی‌بند موزه آذربایجان و طرح موجود بر روی آن با نقش درخت زندگی و بزهای کوهی، مأخذ: نویدبگلو و حسینی‌نیا، ۶۲۱۳۹۶:



تصویر ۲۰. نمونه‌هایی از توهم حرکت و پویایی در نقوش حیوانی بر روی ظروف سفالی شهر سوخته، مأخذ: سیدسجادی، ۱۳۸۲: ۲۷؛ سراوانی، ۱۳۹۶: ۱۵۸



تصویر ۲۳. طرح بازسازی شده و گسترش یافته تصاویر متحرک بز بر روی سفال خاکستری تپه صادق سیستان، مأخذ: شیرازی، ۱۳۹۷: ۳۰۲



تصویر ۲۲. نقش حرکت و پرش بز بر روی سفال خاکستری از تپه صادق سیستان، مأخذ: شیرازی، ۱۳۹۷: ۳۰۲

این خمره که در ۶ فریم جداگانه نقاشی شده به وضوح چرخه تولید مثل و زندگی یک بز تازه به دنیا آمده تا رسیدن به مرحله بلوغ را نشان می‌دهد. بخش‌های کشیده شده توسط هنرمند پیش از تاریخی شامل مرحله جفت‌یابی حیوان، زایش، رشد و نمو و تغذیه از مادر تا رسیدن به مرحله بلوغ است که این سیر تکامل با بزرگنمایی مرحله به مرحله حیوان متولد شده تا تبدیل به یک بز کامل و بالغ بر روی شکم خمره به تصویر کشیده شده است (تصاویر ۳۰ و ۳۱). باید گفت که هر اثری که انسان در طول زمان خلق نموده نمودی از نوعی تفکر اوست. نقوش سفال نیز بازتابی از تفکر و تعلق انسان است و به واسطه آن می‌توان اندیشه و پیچیدگی ذهن انسان را مورد بررسی قرار داد. پس یکی از ابزارهایی که با استفاده از آن می‌توان فرهنگ گذشته را شناخت و مورد مطالعه و تحلیل قرار داد و با یکدیگر مقایسه نمود نقش سفال است (علی‌یاری و طلایی، ۱۳۸۴). هدف از طرح این مطلب در ادامه مبحث خمره زندگی بز این است که نباید صرفاً تحلیل و یا برداشتی واقع‌نگار از نقوش این خمره‌ها برداشت چرا که هر نقش و تصویر ایجاد شده بر روی سفال‌های این منطقه می‌تواند به نوعی خط تصویری با مضمون و هدفی مشخص و یا بیانی قدسی - آیینی داشته باشند و تنها نقشی بسته شده بر روی سفال به‌عنوان یک حیوان نباشند.

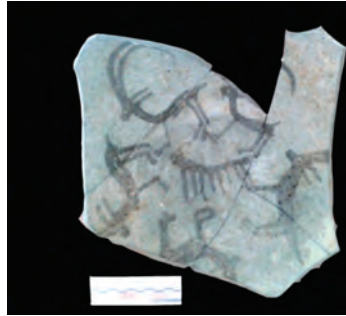
مضمون این خمره همانند جام فلزی مکشوفه از تپه مارلیک؛ مشهور به جام زرین افسانه زندگی است. در جام مذکور در ردیف پایین آن صحنه تغذیه بز کوهی از

و همکاران، ۱۳۹۷). از مهم‌ترین ابزارها، ظروف و اشیاء تدفینی یافت شده از این گورستان می‌توان به ظروفی از جنس سفال (با خمره‌های قرمز آجری، نخودی و خاکستری ساده و منقوش به فرم‌های کاسه، پیاله‌های آبخوری، قندح و کاسه‌های بسیار بزرگ، انواع خمره و تنگ در اندازه‌های متنوع و غیره) اشاره کرد (Heydari et al., 2017). یکی از آثار مکشوفه بسیار مهم سر یک بز کوهی بسیار زیبا از جنس سفال خاکستری است در میان بزهای رسم شده بر روی سفال‌های گورستان کشیک، چند نوع ترسیم از بز وجود دارد. در بعضی از تصاویر که همان تصویر بزهایی با شاخ‌های هلالی کشیده که بعضی از آنها دارای ریش و بعضی بدون ریش هستند. بعضی بزها به حالت شانه‌ای شکل و بعضی بدون شاخ و با دم‌های کوچک هستند (تصویر ۲۷). همانطور که در تصاویر قابل مشاهده است بزها در ردیف‌های پشت سرهم و همچنین در قاب‌های تجریدی چند فریمی ترسیم شده‌اند. بزهای روی سفال‌های کشیک به فرم‌های مختلفی و در هشت مدل مختلف ترسیم شده و از نوع طراحی آنها مشخص است که توسط افراد مختلفی اینکار صورت گرفته است. اما در بیشتر تصاویر بزها به صورت رمه‌هایی پشت سرهم کشیده شده‌اند که حالت حرکت و تحرک را نمی‌توان در آنها مشاهده کرد (تصاویر ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷).

اما اثر دیگری که تاکنون درباره آن بحث چندانی نشده است خمره چرخه زندگی بز است که از گورستان کشیک نیکشهر به دست آمده است. تصاویر ایجاد شده بر روی



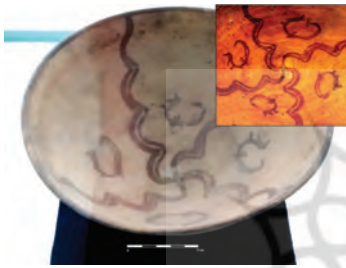
تصویر ۲۶. نقش بز در کادر جداگانه که در چهار طرف خمره نقش شده است، مکشوفه از گورستان کشیک، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۲۵. نقش ثابت ردیفی از بزها بر روی تکه سفال خاکستری عصر مفرغ گورستان کشیک، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۲۴. نقش ثابت ردیفی از بزها بر روی سفال خاکستری عصر مفرغ گورستان کشیک، مأخذ: نگارندگان



تصویر ۲۹. نقش بز روی سفال به دست آمده از گورستان اسپیدژ، مأخذ تصویر بزرگ: نگارندگان، مأخذ تصویر کوچک: محمد حیدری



تصویر ۲۸. جام زرین افسانه زندگی مارلیک، مأخذ: <https://www.isna.ir/news/96021810934>



تصویر ۲۷. نقش شانه‌ای مانند بز که بر روی سفال‌های جنوب شرقی و به ویژه کشیک دیده می‌شود، مأخذ: نگارندگان

شدن در مسیر شاهراه ارتباطی تمدن‌های بزرگ نیمه شرقی فلات ایران در هزاره‌های سوم و چهارم ق.م و شرایط مناسب زیست محیطی دو عامل مهم برای تحقق این ویژگی به شمار می‌روند. شواهد این تنوع و گستردگی آثار زندگی را می‌توان به صورت تپه‌ها، محوطه‌ها، گورستان‌ها و غیره در جای جای شهرستان ایرانشهر مشاهده نمود. یکی از مهم‌ترین کانون‌های متعلق به دوران پیش از تاریخ و هزاره‌های دوم و سوم پیش از میلاد گورستان اسپیدژ است. اسپیدژ به معنای دژ سفید نام خود را از قلعه‌ای به همین نام از دوره اسلامی گرفته که با سنگ لاشه سفید رنگ با نخلستان سرسبز و انبوه در فاصله چهل کیلومتری جنوب غرب شهر بزمان واقع شده است. گورستان اسپیدژ با حدود ۲۵ هکتار وسعت، آثار دو دوره متمایز اسلامی و پیش از تاریخ را دربردارد. سفالینه‌های اسپیدژ با نقوش انسانی، حیوانی و نباتی و طبیعت بی‌جان تصویر شده‌اند (جانبازی، ۱۳۹۱). در بررسی اضطراری این گورستان در مجموع نزدیک به سه هزار قطعه سفال و آثار فرهنگی دیگر جمع‌آوری گردید که از این میان حدود ۹۷ درصد آن بقایای ظروف سفالین (اغلب نخودی، قرمز و خاکستری منقوش) و ۳ درصد دیگر آن متعلق به آثار سنگی و

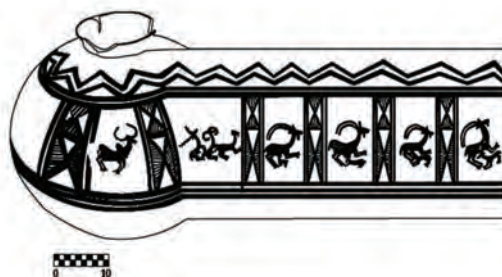
مادر پنج بار تکرار شده است (کاظم‌پور عصمتی، ۱۳۷۶). این جام که از معروف‌ترین جام‌های فلزی به دست آمده است، بز نقش اصلی این جام است و با مفاهیم شهوت و تمایلات جنسی نیز نقش‌اندازی شده است. همان‌طور که گفته شد در ردیف پایین آن، بز کوهی کوچکی که تازه متولد شده و مشغول خوردن شیر از پستان مادر است نمایش داده شده است (تصویر ۲۸) (معقولی و کشتکار، ۱۳۹۴). نقوش داستانی این جام یادآور خمره چرخه زندگی کشیک بلوچستان است که تولد و رشد کودک در کنار مادر را به تصویر کشیده است. تصاویر موجود بر روی خمره زندگی بز با طرح‌های استلیزه شده اجرا شده است. در نقوش این خمره دقیقاً تحرک و زنده بودن نقوش بز را می‌توان مشاهده کرد به طوری که دقیقاً حالت قرارگیری پاها و بدن جانوران به این چرخه زندگی زنده بودن را القاء کرده است (تصویر ۳۰ و ۳۱).

گورستان اسپیدژ

شهرستان ایرانشهر در مقایسه با دیگر شهرستان‌های بلوچستان بیشترین و باارزش‌ترین آثار باقیمانده از دوران پیش از تاریخ را در خود جای داده است. واقع



تصویر ۳۱. پویانمایی تولید مثل و چرخه زندگی و تولد بز تا رسیدن به مرحله بلوغ، مأخذ: همان، ۷



تصویر ۳۰. پویانمایی تولید مثل و چرخه زندگی و تولد بز تا رسیدن به مرحله بلوغ، مأخذ: صدقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷



تصویر ۳۲. ظروف سفالین منقوش به بز به دست آمده از محوطه عصر مفرغی چگردک بلوچستان، مأخذ: محمد حیدری

شناخت بیشتر سفال‌ها و تصاویر موجود بر روی آنها امکان‌پذیر نیست.

محوطه چگردک

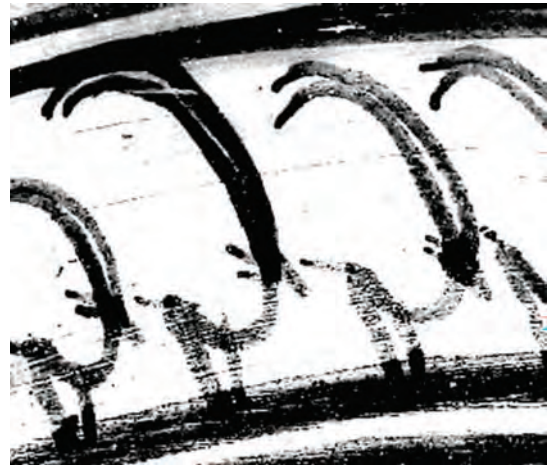
محوطه باستانی چگردک در جلگه چاه هاشم جازموریان شامل یک تپه و دو گورستان مربوط به عصر مفرغ بلوچستان است. این محوطه در سال ۱۳۸۴ به دلیل تخریب و غارت گسترده‌ای که از سوی سوداگران صورت گرفت دچار آشفته‌گی و آسیب‌های فراوانی گردیده است. این محوطه در بخش دلگان و دهستان جلگه چاه هاشم و ۱۰ کیلومتری شمال شرق روستای چگردک واقع شده است (Heydari et al., 2015). طی حفاری‌های نجات‌بخش صورت گرفته در سال ۱۳۹۷ توسط تیم باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان آثار متنوعی از جمله آثار سفالین منقوش نخودی، خاکستری و قرمز رنگ کشف گردیدند. در سفال‌های منقوش به دست آمده نقش بز کوهی منطقه را به وفور می‌توان مشاهده کرد. بر روی سفال‌های این محوطه بیشتر نقش بز در قاب‌های جداگانه و در فرم‌های چندتایی می‌توان مشاهده نمود. در فرم‌های کشیده شده، تصاویر بزهای به صورت

مفرغی است. سفالینه‌ها در اسپیدژ از تنوع خاصی از فرم، رنگ، خمیره و نقش برخوردار است. سفالینه‌های خشن، زمخت و دست‌ساز عموماً شامل ظروف پخت و پز می‌شدند و غالباً دارای خمیره نخودی یا آجری با بدنه‌ای ساده و بدون نقش بوده‌اند. در اسپیدژ انواع سفالینه با خمیره‌هایی به رنگ‌های نخودی، قرمز آجری و خاکستری منقوش به دست آمده است. نقشمایه‌های آن شامل نقوش گیاهی، جانوری، انسانی، سمبلیک و مفاهیم خاص است. از نقوش عمده حیوانی می‌توان نقوش جانوران و حیوانات بومی منطقه همچون نقش بزسانان (کل، قوچ، میش، آهو، جبیر) و عقرب، مار، لاکپشت و نقوش گیاهان و درختانی همچون نخل خرما، خوشه گندم و همچنین نقوش طبیعت بی‌جان همچون نقوش تپه، کوه، کوهستان، خورشید و نقوش موج آب اشاره نمود (Heidary et al., 2019) (تصویر ۲۹).

نقوش شانه‌ای شکل (همانند تصویر ۲۷) چهار بز سر به هم داده که تشکیل گردونه خورشید یا حیات (صلیب شکسته) را می‌دهند از نقوش محوری سفالینه‌های اسپیدژ محسوب می‌گردند. متأسفانه به دلیل عدم چاپ و نشر اطلاعات به دست آمده از این محوطه و عدم دسترسی نگارندگان به سفال‌های این محوطه امکان



تصویر ۳۴. خمره یافت شده از بمپور با ردیفی از نقوش بز، سمت چپ، مأخذ: Decardi, 1968: 155



تصویر ۳۳. ردیفی از بزهای مختلف بر روی سفال به دست آمده از چگردک، مأخذ: محمد حیدری

نوعی سفال چرخساز است که با طرح‌های ظریف‌تری تزیین شده و از محوطه‌های شرق بمپور به دست آمده است. این نوع سفال در محوطه‌های ساحل چپ بمپور نیز دیده شده است. در خود تپه بمپور سفال‌هایی تولید می‌شده است که نه تنها با سفال نوع کولی مکران پاکستان قابل مقایسه است، بلکه نمونه‌های شبیه به آن در محوطه‌های باستانی استان فارس نیز دیده شده است. در محوطه بمپور سفال‌های خاکستری، نخودی و قرمز وجود دارد (سیدسجادی، ۱۳۸۲). نقش بز، گوزن، مرغابی و عقرب بر روی تعدادی از سفال‌ها به چشم می‌خورد که نقش عقرب در کف ظروف دیده می‌شود (تصاویر ۳۴ و ۳۵) (رهبر، ۱۳۸۲).

سفال‌های بمپور به عنوان سفال مرجع در مطالعات باستان‌شناسی هزاره سوم قبل از میلاد در بلوچستان ایران در نظر گرفته می‌شود (شیرازی و دهمرده پهلوان، ۱۳۹۳). همانطور که در بالا عنوان شد سفال‌های به دست آمده دارای طبقه‌بندی‌ای از ادوار شش‌گانه است که در سفال‌های دوره ششم می‌توان خمره‌های با نقوش جانوری همچون ردیفی از بزها را مشاهده کرد (تصویر ۳۶) (DeCardi, 1970). در این سه تصویر (تصاویر ۳۴، ۳۵ و ۳۶) تمام تصاویر مربوط به بزها، در ردیفی ثابت و پشت سرهم قرار گرفته‌اند، و هیچ‌گونه حرکت و حالت کشیدگی حتی در تصاویر دال بر نیمه‌متحرک بودن‌شان نیست. اما نکته دیگری که قابل بررسی است گویا نقاش هنرمندی که تکه سفال‌های تصویر ۳۶ را طراحی و رسم نموده یک نفر بوده است و از یک فرم و قالب برای نقش‌اندازی استفاده شده است. اما نوع سفال‌های بمپور به‌ویژه با طرح تصاویر شماره ۳۶ را می‌توان هم در بلوچستان پاکستان و هم شهر سوخته و دیگر محوطه‌های جنوب شرق مشاهده کرد (تصویر ۳۶).

انتزاعی و حتی واقع‌نگار هستند که البته بیشتر فرم‌ها به صورت ثابت و بی‌حرکت و حتی در یک الی دو مورد می‌توان تصاویر پشت سر هم حرکت بز را در حالت نیمه متحرک مشاهده کرد (تصاویر ۳۲ و ۳۳). متأسفانه به علت عدم دسترسی بیشتر و عدم چاپ گزارش‌های مربوطه به این محوطه و داده‌های به دست آمده از آن امکان تشریح کامل این موضوع برای این محوطه بیشتر از این امکان نخواهد داشت.

بمپور

امروزه بمپور نام بخش و دهستانی از توابع شهرستان ایرانشهر است که از شرق به ایرانشهر، از جنوب به لاشار، از مغرب به کویر و از شمال به دامن و زمان محدود است. این محوطه را اشتان کشف و نخستین کاوش‌های علمی را در این تپه و قبرستان خوراب و دامن به انجام رساند (Stein, 1937). سپس دکارتی در آنجا به کاوش پرداخت که نتایج آن شناخت ادوار شش‌گانه بمپور بر اساس مطالعات سفالی بوده که تا به امروز معتبر است (DeCardi, 1970). در گزارش اشتاین در مورد بمپور آمده است که در سمت غرب قلعه بمپور، در مساحتی حدود ۲۷۰ مترمربع، مقدار زیادی سفال پراکنده بوده که اختلاف سفال‌های موجود در این سطح نشان می‌دهد که یک دوره استقرار طولانی در این محوطه بوده است. دوره‌های سفال پیش از تاریخ بمپور و سایر محوطه‌های منطقه که اشتاین گزارش کرده در حقیقت شامل دو گروه سفال جداگانه است. گروه نخست سفال‌های دست‌ساز با نقوش ساده هندسی که از محوطه چاه‌حسینی و قلعه سردگاه در غرب بمپور به دست آمده است، این نوع سفال در تپه‌های موجود در امتداد هلیل‌رود تا تلابلیس کرمان نیز به دست آمده است. گروه دوم سفال‌های اشتاین



تصویر ۳۶. قطعات سفال به‌دست‌آمده از بمپور با نقوش بز،
مأخذ: Stein, 1937:VII



تصویر ۳۵. نقش ردیفی از بزها بر روی تکه سفال‌هایی از منطقه
بمپور، سمت راست، مأخذ: Moradi et al, 2014: 278-279

نتیجه

جنوب‌شرق فلات ایران در هزاره سوم پیش از میلاد (عصر مفرغ) با تحولاتی چون آغاز شهرنشینی، افزایش جمعیت، گسترش مبادلات فرمانطقه‌ای و پیچیدگی اقتصادی و اجتماعی تحول عظیمی پیدا نموده و شبکه‌های بزرگ مبادلاتی این دوره، بزرگ‌ترین مراکز شهرنشینی شرق و غرب را از طریق راه‌های تجاری به‌همدیگر ارتباط می‌داده است. از بزرگ‌ترین محوطه‌های این منطقه که در این برهم‌کنش‌ها به خوبی سهم و راه خود را مشخص نموده‌اند، می‌توان به محوطه‌های کنارصندل، شهداد، تیه یحیی و تل ابلیس و غیره در کرمان و شهر سوخته، بمپور، خوراب، دامین، اسپیدژ، چگردک و کشیک در سیستان و بلوچستان اشاره داشت. در این دوره است که هنر به سطحی تعادلی برای اجرای مضامین آیینی - قدسی بدل می‌شود و مضامین محیطی و زیستی بر روی آثار و دست‌آفریده‌ها با مفاهیمی ملی و منطقه‌ای پیوند خورده و به رشته تحریر درآمده است. با بررسی و تطبیق آثار مورد مطالعه در این پژوهش مشخص گردید که نقش‌ها و موضوعات موجود بر روی سفال‌های پیش از تاریخی داستان‌هایی فرمانطقه‌ای هستند، همانند نقش بز و داستان آن بر روی خمره چرخه زندگی و جام پویانمایی شهر سوخته که تصاویری مشابه با آن در دیگر مکان‌ها و فرهنگ‌ها قابل مشاهده است.

اما در تقسیمات صورت گرفته توسط نگارندگان برحسب نوع تحرک در نقشمایه‌های حیوانی بز بر روی سفال‌های عصر مفرغ سیستان و بلوچستان؛ دقیقاً طرح‌های بز در سه فرم ثابت، نیمه‌متحرک و تصاویر متحرک یا به بیان امروزی پویانمایی، قرار گرفته است. با بررسی‌های دقیق‌تر بر روی نقشمایه‌های نیمه‌متحرک و به‌خصوص متحرک شهر سوخته، تپه صادق و کشیک نیک شهر که جست‌وخیز و حرکت بز به همراه داستان‌سرایی که برای ما هنوز نامشخص است؛ این نتیجه حاصل می‌شود که مردمان و هنرمندان نقاش - سفال‌گران با متحرک‌سازی تصاویر و خلق چنین تصاویری آشنا بوده‌اند و تنها پویانمایی در باستان مربوط به یک جام و حتی به‌طور دقیق‌تر طرحی تصادفی نبوده است. نقشمایه بز در کنار درخت زندگی، آمیزش و تغذیه به نوزاد، همچنین طرح‌های تجریدی و استیلیزه شده در قالب تک‌فریم و چند فریمی که آمیخته با داستان‌های ملی گذشتگان بوده، به‌طور گسترده‌ای روی سفال‌های این منطقه می‌توان مشاهده کرد. در نهایت می‌توان نقوش متحرک یا پویانمایی را در محوطه‌های سیستان

همانند شهرسوخته و تپه صادق که یکی از محوطه‌های اقماری شهرسوخته است و همچنین محوطه کشیک نیکشهر در بلوچستان مشاهده کرد. همچنین نقوش نیمه‌متحرک بزبر سفال‌های بررسی شده محوطه‌هایی همچون شهرسوخته و چگردک وجود دارد. نقش ثابت بز نیز بر روی سفال‌های موجود در تمام محوطه‌های جنوب‌شرق از جمله شهرسوخته، کشیک، بمپور، اسپیدژ و چگردک قابل ردیابی و شناسایی است. به‌علاوه بایستی منتظر یافته‌های جدیدی باشیم که مطمئن فرضیه مرتبط گسترده‌تری و توسعه نقوش متحرک بر روی سفالینه‌های جنوب‌شرق را در آینده بیشتر تایید خواهند نمود.

سپاس‌گزاری

نگارندگان این پژوهش از جناب آقایان محمد حیدری و نیوشا مؤمنی و نیز از سرکار خانم فرح‌انگیز صبحی‌ثانی بابت کمک‌هایشان در نگارش مقاله و ارائه برخی اطلاعات و تصاویر به نویسندگان و نیز از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان و موزه منطقه‌ای جنوب‌شرق زاهدان که فرصت مطالعه در اشیاء مذکور را فراهم کردند سپاس‌گزاری می‌نمایند.

منابع و مآخذ

- ارشاد، فاطمه‌السادات. دادگران، سیدمحمد. ۱۳۹۱. بررسی وضعیت پویانمایی داخلی ایران از دید کارشناسان حوزه موسسات پویانمایی. مطالعات رسانه‌ای، (۱)۷، ۱۱۵-۱۳۰.
- افضل‌طوسی، عفت‌السادات. ۱۳۹۱. گلیم حافظ نگاره بز کوهی از دوران باستان. نگره، (۲۱)۷، ۵۵-۶۷.
- امیرشاه‌کرمی، سیدنجم‌الدین، کسائی، لیلا و احمدی، سیدبدرالدین. ۱۳۸۷. بررسی تأثیر آموزش و پژوهش در تدوین پایان‌نامه‌های رشته پویانمایی (انیمیشن) در دانشگاه‌های ایران - رویکرد مدیریت مستندسازی، هنرهای زیبا، ۳۳(۳۳)، ۱۱۵-۱۲۱.
- آذرانداز، عباس. ۱۳۹۲. اهمیت ادبی درخت آسوری. کهن‌نامه ادب‌پارسی. پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی، (۲)۵، ۱-۱۸.
- بختیاری‌شهری، محمود. ۱۳۸۸. بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های نویافته دشت توس، مطالعات باستان‌شناسی، (۱)۱، ۲۱-۴۴.
- بهنود، مهسا. افضل‌طوسی، عفت‌السادات و موسوی‌لر، اشرف‌السادات. ۱۳۹۵. بررسی سیر تاریخی تحول نقش بز کوهی در دوره ساسانیان. جلوه هنر، (۱۶)۴، ۲۹-۴۱.
- بیک‌محمدی، خلیل‌الله، جانجان، محسن و بیک‌محمدی، نسرین. ۱۳۹۲. معرفی و تحلیل نقوش سنگ‌نگاره‌های نویافته مجموعه B ارگس سفلی (ملایر-همدان)، نامه باستان‌شناسی، (۲)۲، ۱۲۱-۱۴۰.
- بی‌نا، ۱۳۹۶. جام‌های طلایی که به آلمان امانت دادیم، پرتال خبرگزاری دانشجویان ایران (www.isna.ir)، تاریخ دسترسی، ۹۸/۱۱/۲۵.
- بی‌نام. ۱۳۹۲. پازن (بز کوهی)، پرتال رسانه مجازی نگاه (www.NegahMedia.ir)، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱.
- پاکباز، رویین. ۱۳۹۳. دایره‌المعارف هنر، چاپ چهاردهم: نشر فرهنگ معاصر.
- پوپ، آرتور آپهام. ۱۳۸۴. شاهکارهای هنر ایران. ترجمه پرویز ناتل‌خانلری، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جانبازی، فاطمه. ۱۳۹۱. نقش‌مایه عقرب در آثار تمدن‌های پیش از تاریخ ایران. جلوه هنر، دوره جدید، (۷)۳، ۱۵-۲۹.
- چنگیز، سحر و رضالو، رضا. ۱۳۹۱. ارزیابی نمادین نقوش جانوری سفال نیشابور (قرون سوم و چهارم

- هجری قمری). نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۴(۷)، ۳۳-۴۴.
- حاکمی، علی. ۱۳۸۵. گزارش هشت فصل بررسی و کاوش در شهداد (دشت لوت) (۱۳۵۴-۱۳۴۷). به کوشش محمود موسوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، معاونت پژوهشی، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- حسین‌آبادی، زهرا؛ دادور، ابوالقاسم. ۱۳۹۰. بررسی نمادین نقوش گیاهی سفال‌های شهر سوخته. هنرهای تجسمی، ۲(۲)، ۴۷-۶۴.
- دادور، ابوالقاسم؛ بهمنی، ساره؛ سامانیان، ساسان. ۱۳۹۳. نمادهای انسانی و حیوانی موجود در سفالینه‌های مکشوفه در سه منطقه تل باکون فارس، تپه سیلک کاشان و تپه گیان نهاوند. مطالعات تطبیقی هنر، ۴(۸)، ۱-۱۴.
- دهقان، ساناز. ۱۳۸۹. بررسی نقش بز کوهی در آثار هنری ایران باستان، استاد راهنما: غلامعلی حاتم، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشکده هنر و معماری-پژوهش هنر، (منتشر نشده).
- رهر، مهدی. ۱۳۸۲. گزارش‌های باستان‌شناسی محوطه شماره ۱۴، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان (منتشر نشده).
- رئوفی، محمدرضا. ۱۳۸۷. نخستین پویانمایی جهان در شهر سوخته، کتاب ماه علوم و فنون، ۱۰(۱۰۷)، ۷۶-۷۹.
- سراوانی، فهیمه. ۱۳۹۴. بررسی نقوش حیوانی سفالینه‌های شهر سوخته، دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بیرجند، به اهتمام حسن هاشمی زرج آباد، نشر چهار درخت.
- سراوانی، فهیمه. ۱۳۹۶. بررسی ویژگی‌های بصری نقوش حیوانی سفالینه‌های شهر سوخته، مطالعات هنر اسلامی، ۱۳(۲۶)، ۱۴۳-۱۶۵.
- سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۸۲. سلسله گزارش‌های باستان‌شناسی و کاوش در بمپور، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان.
- سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۸۳. گزارشی از فعالیت‌های پایگاه باستان‌شناختی شهر سوخته ۱۳۸۳-۱۳۷۶، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.
- سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۹۱. شهر سوخته آزمایشگاهی بزرگ در بیابانی کوچک. چاپ سوم، زاهدان: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.
- سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۹۷. چکیده گزارش کاوش‌های سال ۱۳۹۶ در شهر سوخته، شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۶)، به کوشش روح‌الله شیرازی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۹۸. نقش جانوران در سفال شهر سوخته، در مقالات منتخب اولین کنفرانس ملی باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران، ویرایش: حسن هاشمی زرج آباد، محمد قمری فتییده و مرتضی عطایی، تهران: چاپ نخست، انتشارات آریارمنا، ۲۴۷-۲۶۶.
- شفیعی سراودی، مهنوش؛ حسن‌نسب، مهسا. ۱۳۹۷. تجلی عدد چهار در نقوش سفالینه‌های پیش از تاریخ در ایران. نگره، ۸(۴۵)، ۵۲-۷۵.
- شیرازی، روح‌الله و دهمرده پهلوان، مهدی. ۱۳۹۳. روابط فرهنگی بلوچستان ایران و پاکستان در هزاره سوم پیش از میلاد، براساس بررسی‌های جدید باستان‌شناسی در مکران ایران. مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۶(۲۰)، ۴۳-۶۴.
- شیرازی، روح‌الله. ۱۳۸۹. گزارش فصل اول کاوش در تپه صادق: دشت سیستان، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (گزارش منتشر نشده).
- شیرازی، روح‌الله. ۱۳۹۷. کاوش‌های باستان‌شناختی در تپه صادق (فصول ششم و هفتم: ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶).

- شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۶)، به کوشش روح‌الله شیرازی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- صدقی، یاسین، عابدی، اکبر، رازانی، مهدی و محمد حیدری. ۱۳۹۶. ساختارشناسی خمره نو یافته سفالی چرخه زیستی متعلق به گورستان پیش از تاریخی کشیک سیستان و بلوچستان، جنوب شرق ایران. پژوهش باستان‌سنجی، ۲(۳)، ۱-۱۴.
- صمدی بگه‌جان، جمشید و بهنیا، علی. ۱۳۹۴. توصیف و تحلیل نقوش صخره‌ای ظفرآباد، هگلان، گردستان. پیام باستان‌شناسی، ۱۲(۲۴)، ۷۱-۸۰.
- طاهری، صدرالدین و سلطان‌مرادی، زهره. ۱۳۹۲. گیاه زندگی در ایران، میانرودان و مصر باستان. هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۱۸(۲)، ۱۷-۲۶.
- عارف، محمد. ۱۳۹۷. کشف اندیشه انیمیشن هزار و پانصد ساله ایرانی در تابلو سنگی شکار گراز تاق بستان کرمانشاه ایران. هنرهای زیبا-هنرهای نمایشی و موسیقی، ۲۳(۲)، ۱۵-۲۲.
- عناستانی، مینا؛ سیما عناستانی و الهه احمدیان. ۱۳۹۱. بهره‌گیری از کارآفرینان و بازگشت به ارزش‌ها در هنر انیمیشن ایران، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابل‌سر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
- کاظم‌پور عصمتی، پروین. ۱۳۷۶. معرفی جام سفالین مکتوفه از ارومیه. میراث فرهنگی، ۵(۱۷)، ۶۲-۶۵.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. ۱۳۸۰. سفال و سفالگری در ایران: از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر. چاپ اول، تهران: ققنوس.
- کریمی، غلامحسین. ۱۳۹۴. تحلیلی بر نقش هنر-رسانه پویانمایی در آموزش حفاظت محیط زیست. مطالعات رسانه‌ای، ۱۰(۲۸)، ۹۵-۱۱۰.
- گرگی، مرتضی؛ محمدخانی، کوروش؛ حیدری، محمد و حمزه بامری. ۱۳۹۷. فصل اول مطالعات باستان‌شناسی در محوطه کشیک شهرستان نیکشهر به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم. گزارش‌های شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران (مجموعه مقالات کوتاه ۱۳۹۵). به کوشش روح‌الله شیرازی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- مرادی، حسین. ۱۳۸۸. لیوان‌های گلابی شکل. مجموعه مقالات شهرسوخته ۱، به کوشش: سیدمنصور سیدسجادی، زاهدان: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، ۲۲۸-۲۵۶.
- معصومی، غلامرضا. ۱۳۴۹. نقش بز کوهی بر روی سفال‌های پیش از تاریخ ایران. بررسی‌های تاریخی، ۵(۳)، ۱۸۱-۲۱۲.
- معقولی، نادیا؛ کشتکار، مهدیه. ۱۳۹۴. خوانش نشانه‌شناسانه نقوش جام‌های مارلیک (نمونه موردی: جام گاو بالدار و جام افسانه زندگی). هنرهای کاربردی، ۴(۷)، ۵۱-۶۰.
- مورگاورو، لوردانا. ۱۳۸۷. ظروف رنگارنگ شهرسوخته. ترجمه سید منصور سید سجادی، چاپ اول، نشر استانداری سیستان و بلوچستان و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان.
- موسوی حاجی، سیدرسول و پیری، علی. ۱۳۸۸. بررسی تطبیقی نقوش قالی سیستان با نقوش سفال خودی شهرسوخته. گلجام نشریه انجمن علمی فرش ایران، ۷(۱۳)، ۷۳-۸۶.
- میرزایی، کرم و داورزن، فهیمه. ۱۳۹۴. ساختارشکلی و فرم نقش‌مایه بز سفالینه‌های پیش از تاریخ. رشد آموزش هنر، ۱۲(۴)، ۵۴-۶۴.
- نوزایی، عباس و شه‌بخش، سعیدمحمد. ۱۳۸۵. تحلیل محتوای نقش‌مایه‌های به‌جا مانده از تمدن شهرسوخته

سیستان، کتاب ماه هنر، ۱۲۸-۱۴۰.
نویدگلو، علی. حسینی‌نیا، سیدمهدی. ۱۳۹۶. مطالعه تطبیقی پیشانی‌بند طلایی موزه آذربایجان. مطالعات
باستان‌شناسی پارسه، ۲(۲)، ۵۹-۷۵.
یاری، علی احمد و طلائی، حسن. ۱۳۸۴. تحلیل ساختاری نقوش سفال نوسنگی شمال غرب ایران. دانشکده
ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۵۶(۱)، ۶۱-۷۷.

Azarnoush, M., & Helwing, B. 2005. Recent archaeological research in Iran—Prehistory to Iron Age. *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, 37, 189-246.

Carter, E.; Hole, F.; Bahrani, Z.; Spycket, A. & Aruz, J. 1992. The Cemetery of Susa: an Interpretation; Susa I Pottery; Object of Bitumen and Terracotta; late Susa I Glyptic: Ritual Imagery; Practical Use. *The Royal City of Susa: Ancient Near Eastern Treasures in the Louvre*, Harper, P.; Aruz, J. & Tallon, F. (Eds). New York: The Metropolitan Museum of Art.

DeCardi, B. 1968. Bampur: a third millennium site in Persian Baluchistan, *Archaeological viva*, 1: 151-155.

DeCardi, B. 1970. Excavations at Bampur, a third millennium settlement in Persian Baluchistan, 1966. *Anthropological papers of the AMNH*; v. 51, pt. 3. :231-356

Desset, F. Vidale, M. Alidadi Soleimani, N. Battistelia, E, Daneshi, A. 2017. A grave of the Halil Rud Valley (Jiroft, Iran, ca. 2400-2200 BC): stratigraphy, taphonomy, funerary practices. *Iranica Antiqua*, vol. LII. Doi: 10.2143/IA.52.0.3269015.

Heidary, M., Desset, F., & Vidale, M. 2018. Bronze Age Glyptics of Eastern Jazmurian, Iran. *Paléorient*, 44(1), 133-153.

Heidary, M., Desset, F., & Vidale, M. 2019. A Late 4th-Early 3rd Millennium B.C. Grave at Spidej (Eastern Jazmurian, Iranian Baluchistan). *Iranica Antiqua*, 54.

Heydari, M., Nashli, H. F., Cortesi, E., & Vidale, M. 2015. A surface collection at Chergardak, a Bronze age centre in the Jazmurian basin (South-Eastern Iran). *Paléorient*, 133-155.

Karimi, E., Taghva, A., & Kurdshuli, F. Z. 2016. The petroglyphs of Dasht-e-Morghab in the Fars Province of Iran. *Rock Art Research: The Journal of the Australian Rock Art Research Association (Aura)*, 33(1), 65.

Khosrowzadeh, A., Aarab, A., & Bahraminia, M. 2017. New Petroglyphs in Ziad Abad and Hassan Robot Plains (Isfahan Province, Iran). *Mediterranean Archaeology & Archaeometry*, 17(3).

Majidzadeh, Y., Pittman, H. 2008. Excavation at Konar Sandal in the Region of Jiroft in the Halil Basin: first preliminary report (2002-2008). *Iran*, 46: 69-103.

Moradi, H. Sarhaddi-Dadian, H & Nik Hassan Shuhami Nik Abdul Rahman . 2014. Development and Decline of the Bampur Valley, Based on the New Archaeological Evidence from Prehistoric Period, *Iranian Studies*, 47: 2, 263-287.



- Moradi, H. Sarhaddi-Dadian, H. Soltani, M. Nik Abul Rahman, N. H. SH. Chang, B, 2013. Study and Typological Comparison of Petroglyphs in the Marzbanik Valley, Baluchestan, Iran. *Time and Mind: The Journal of Archaeology, Consciousness and Culture*, 6:3, 331-349
- Piperno, M., Salvatori, S. 1983. Recent Results and new perspectives from the Research at the Graveyard of Shahr-i-Sokhta, Sistan, Iran. *ANNALI, Istituto Universitario Orientale*, 2 (43):173-190.
- Sarhaddi, F. 2013. Pictograph and Petroglyphs of Saravan (Sistan – Baluchistan, Iran). *Ancient Asia*, 4 (3) : 1-8. DOI: <http://dx.doi.org/10.5334/aa.12312>
- Sarhaddi-Dadian, H. Moradi, H. Soltani, M. 2015. Preliminary study of rock art at Negaran valley in Baluchistan, Iran. *Rock Art Research*, 32 (2): 240-243.
- Sarkhosh, A. Nazari, S, Sharbaf, M. 2015. Introduction to Newly Discovered Petroglyphs with Animal Motifs During an Archaeological Survey in Southern Regions of Fars (the Beyram Plain). *Historia i Świat*, 4, 15-30.
- Shirazi, R. 2016. The petroglyphs of the Kajou Valley, Makran, Iran: Tang Sar, Dehirak and Deskigan assemblages. *Paléorient*, 185-198.
- Stein, S. A. 1937. *Archaeological Reconnaissances in North-Western India and South-Eastern Iran*, London.
- Vidale, M., FazeliNashli, H., and Desset, F. 2018. the late prehistory of the northern Iranian Central Plateau (c. 6000-3000 BC): growth and collapse of decentralized networks. *Tagungen des landesmuseums fur vorgeschichtehalle*, band 18: 1-43.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Pakistani Baluchistan in the Third Millennium B.C. on the Basis of New Archaeological Surveys in Iranian Makran. *Journal of Subcontinent Researches*, 6(20), 43-64. doi: 10.22111/jsr.2015.1786.

Stein, S. A. 1937. *Archaeological Reconnaissances in North-Western India and South-Eastern Iran*, London.

Taheri, S., Soltanmoradi, Z. 2013. Plant of Life In the Ancient Iran, Mesopotamia & Egypt. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 18(2):1-15. doi: 10.22059/jfava.2013.36319.

Vidale, M., FazeliNashli, H., and Desset, F. 2018. the late prehistory of the northern Iranian Central Plateau (c. 6000-3000 BC): growth and collapse of decentralized networks. *Tagungen des landesmuseums fur vorgeschichtehalle*, band 18: 1-43.

www. Isna. Ir, Access date: 13/02/2020

www.NegahMedia.ir, Access date: 2/3/2019.

Yari, A. A. Talai, H. 2005. Structural analysis of pottery motifs neolithic northwest of Iran. *the Faculty of Literatures & Humanities*, 1-56 (0), pp: 61-77.





Franklin.

Rahbar, M. 2003. The archaeological report of the Yard No. 14 .Archive of the Department of Cultural Heritage of Sistan and Baluchestan Province (unpublished).

Raoufi. M., 2008. the first animation of the world in Shahr-iShökhta. Ketabemaholoumva fonoun, 107:76-79.

Sajjadi, S. M. 2003. The dynasty of archaeological reports and exploring Bampur. Archive of the Office of Cultural Heritage of Sistan and Baluchestan province.

Sajjadi, S. M. 2012. Excavations at Shahr-iSokhta. Sistan. Iran. Third edition: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Sistan and Balouchistan and Shahr-iSokhta, Center for Archaeological Research.

Sajjadi, S. M. 2014. A Report of the activities of the archaeological site of the Shahr-iSokhta. Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Sistan and Balouchistan.

Sajjadi, S. M. 2019. animal motifs of Shahr-iShökhta pottery. 1st Biennial National Conference on Archaeology and Art History of Iran. Edited by: Hasan Hashemi Zarj Abad, Mohammad GhamariFatideh and MortezaAtaee, Babolsar, Mazandaran University.

Sajjadi, S. M. 2019. Review report of 1396 years in Shahr-iSokhta .16th Annual Symposium on the Iranian Archaeology (a collection of short articles – 2016 -2017). 5-6 March. Tehran: Cultural Heritage and Tourism Institute.

SamadiBegejan, J. Behnia, Ali. 2015. Description and analysis of the Zafarabad Rock Art, Hegelan, Kordestan, PayamehBastanShenas, 12(24): 71-80.

Saravani, F. 2015. Review of animal motif of Shahr-iShökhta pottery. The 2nd National conference on Archaeology of Iran-November 2015.

Saravani, F. 2017. Review of visual features of animal motif of Shahr-iShökhta pottery. Islamic Art Studies, 13(26): 143-165.

Sarhaddi, F. 2013. Pictograph and Petroglyphs of Saravan (Sistan and Baluchistan, Iran). Ancient Asia, 4 (3) : 1-8. DOI: <http://dx.doi.org/10.5334/aa.12312>

Sarhaddi-Dadian, H. Moradi, H. Soltani, M. 2015. Preliminary study of rock art at Negaran valley in Baluchistan, Iran. Rock Art Research, 32 (2): 240-243.

Sarkhosh, A. Nazari, S, Sharbaf, M. 2015. Introduction to Newly Discovered Petroglyphs with Animal Motifs During an Archaeological Survey in Southern Regions of Fars (the Beyram Plain). Historia iŚwiat, 4, 15-30.

Sedghi, Y. Abedi, A. Razani, M. Heidari, M. 2017. Chemical-Mineralogical Analyses of Exquisite Pottery of Life Cycle from Prehistoric Cemetery of Keshik in Sistanand Baluchistan, South-East Iran. Journal of Research on Archaeometry, 3 (2): 1-14.

ShafieSaraoudi, M., Hasannasab, M. 2018. The significances of number “four” and its embodiment in prehistoric pottery decorations in Iran. Negareh Journal, 13(45), 52-71. doi: 10.22070/negareh.2018.707.

Shirazi, R. 2010. The first chapter of excavation in tepeSadegh: Sistan Plain, Institute for Archaeology, Cultural Heritage and Tourism Institute (unpublished report).

Shirazi, R. 2016. The petroglyphs of the Kajou Valley, Makran, Iran: Tang Sar, Dehirak and Deskigan assemblages. Paléorient, 185-198.

Shirazi, R. 2019. Archaeological excavations in the TepeSadegh (6th and 7th seasons: 1395 and 1396). 16th Annual Symposium on the Iranian Archaeology, Archaeology (a collection of short articles – 2016 -2017). 5-6 March. Tehran: Cultural Heritage and Tourism Institute.

Shirazi, R. DahmardePahlevan, M. 2015. A Study on Cultural Relations between Iranian and

Tehran: ghoghnoos.

Karami, G. 2015. Analysis of The Role of Art - Media Animation in Environmental Protection Educations. *Media Studies*, 10 (28), 95-110.

Karimi, E., Taghva, A., &Kurdshuli, F. Z. 2016. The petroglyphs of Dasht-e-Morghab in the fars Province of Iran. *Rock Art Research: The Journal of the Australian Rock Art Research Association (Aura)*, 33(1), 65.

KazempourEsmati, P. 1997. Introduction of a ceramic cup of urmia, *cultural heritage*, 5(17): 62-65.

Khazae, V. Marasy, M. 2012. a Comparison Between Abstraction Tendency in Ancient Iranian Pottery Decorations and OpArt Style. *Negrareh Journal*, 6 (17): 87-99.

Khosrowzadeh, A., Aarab, A., &Bahraminia, M. 2017. New Petroglyphs in Ziad Abad and Hassan Robot Plains (Isfahan Province, Iran). *Mediterranean Archaeology & Archaeometry*, 17(3).

Maasoumi, Gh. 1971. The Goat motifs of pre-historic pottery of Iran. *Baresihayetarikhi*, 5(3): 181-212.

Maghuli, N., Keshtkar, M. 2016. Semiotical Analysis of the Motifs on the Golden Goblets of Marlik. *Journal of Applied Arts*, 4(7), 45-54. doi: 10.22075/aaj.2016.2598.

Majidzadeh, Y., Pittman, H. 2008. Excavation at Konar Sandal in the Region of Jiroft in the Halil Basin: first preliminary report (2002-2008). *Iran*, 46: 69-103.

Mirzaee, K., Davarzan, F., 2015. The shape and form of the goats pre-historic pottery. *RoshdehAmoozeshHonar*, 12(4): 54-64.

Moradi, H. Sarhaddi-Dadian, H & Nik Hassan Shuhami Nik Abdul Rahman . 2014. Development and Decline of the Bampur Valley, Based on the New Archaeological Evidence from Prehistoric Period, *Iranian Studies*, 47: 2, 263-287.

Moradi, H. Sarhaddi-Dadian, H. Soltani, M. Nik Abul Rahman, N. H. SH. Chang, B, 2013. Study and Typological Comparison of Petroglyphs in the Marzbanik Valley, Baluchestan, Iran. *Time and Mind: The Journal of Archaeology, Consciousness and Culture*, 6:3, 331-349

Moradi, H., 2010. Pear shaped cups. *Articles collection of the Shahr-iShökhta*. Sajjadi, S. M., Zahedan: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Sistan and Balouchistan and Sistan, Pp: 228-256.

Mousavi Haji, S. R. Piri, A. 2009. A Comparative Study of Motifs of Sistan Carpet with Motifs of Buff Potteries in Shahr-e-Sookhte (Burnt City). 13: 73-86.

Mugavero, L., polychrome ware from Shahr-iShökhta. Translated by: Sajjadi, S. M, Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Sistan and Balouchistan and Sistan and Balouchistan Region.

NavidGabalu, A., Hosseyninia, S, M. 2018. Comparative Study of the Golden Coronet of Azerbaijan Museum. *Parseh journal of archaeological studies*, 2(1): 59-75.

Nozaee, A., Shahbakhsh, S, M. 2007. Analysis of residual motifs from Shahr-iShökhta in Sistan, *ketabehmahehonor*, 128-140.

Pakbaz, Ruyin. 2014. *Encyclopedia of art: painting, sculpture, graphic arts*, edited 14: farhangemaaser.

Piperno, M.,Salvatori, S. 1983. Recent Results and new perspectives from the Research at the Graveyard of Shahr-iSokhta, Sistan, Iran. *Annali, Istituto Universitario Orientale*, 2 (43):173-190.

Pope, A, U. 1970. *Masterpieces of Persian art*. Translation: Parviz Nadel Khanlari, Tehran:



- of Archaeological Studies, 1(1), 21-44.
- behnood, M., Afzal tousi, E., Mousavi lar, A. 2016. A Cross-Historical Investigation on Goat Motif Design Evolution (5000 B.C.-The Sassanids Empire). *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 8(2), 29-42. doi: 10.22051/jjh.2017.6252.
- bikmohammadi, K., janjan, M., bikmohammadi, N. 2013. Introduction and Analysis of New Found Petrography Motif of B Set of Sofla Arges (Malayer-Hamedan). *pazhoheshha-ye Bastanshenasi Iran*, 2(2), 121-140.
- Carter, E.; Hole, F.; Bahrani, Z.; Spycket, A. & Aruz, J. 1992. The Cemetery of Susa: an Interpretation; Susa I Pottery; Object of Bitumen and Terracotta; late Susa I Glyptic: Ritual Imagery; Practical Use. *The Royal City of Susa: Ancient near Eastern Treasures in the Louvre*, Harper, P.; Aruz, J. & Tallon, F. (Eds). Newyork: The Metropolitan Museum of Art.
- Changiz, S., Rezaloo, R. 2012. Symbolic Evaluation of Animal motifs in Nishapur pottery (3th - 4th century AH). *Honar-Ha-Ye-Ziba: Honar-Ha-Ye-Tajassomi*, 4(47), 33-44. doi: 10.22059/jfava.2012.24375
- Dadvar, A. Bahmani, S. Samanian S. 2014. Human and Animal Symbols on the Discovered Potteries in Three Regions of Fars' Tal Bakun, Kashan's Sialk Hills and Nahavand's Gian Hills. *Journal of Motaleat-e Tatbighi-e Honar (Biannual)*, 4 (8), Fall & Winter 2014-2015, pp: 1-14.
- DeCardi, B. 1968. Bampur: a third millennium site in Persian Baluchistan, *Archaeological viva*, 1: 151-155.
- DeCardi, B. 1970. Excavations at Bampur, a third millennium settlement in Persian Baluchistan, 1966. *Anthropological papers of the AMNH*; v. 51, pt. 3. :231-356
- Dehghan, S. 2011. Assessment Antelope motif in the art of iran ancient. Research art M.A. thesis, Tehran markaz branch Faculty of art and architecrure, Islamic Azad university, (unpublished).
- Desset, F. Vidale, M. Alidadi Soleimani, N. Battistelia, E, Daneshi, A. 2017. A grave of the Halil Rud Valley (Jiroft, Iran, ca. 2400-2200 BC): stratigraphy, taphonomy, funerary practices. *Iranica Antiqua*, vol. LII. Doi: 10.2143/IA.52.0.3269015.
- Fatemeh Sadat, E. Dadgaran, S. M. 2012. a survey of Iran's internal animation from perspective of experts in animation institutions. *Media Studies*. 7 (1): 115-130.
- Gorgi, M., Mohammad Khani, K., Heidari, M., Bameri, H. 2018. The first season archaeological studies in Keshik. 16th Annual Symposium on the Iranian Archaeology, *Archaeology (a collection of short articles – 2016 -2017)*. 5-6 March. Tehran: Cultural Heritage and Tourism Institute.
- Hakemi, A. 2006. *Archaeological Report of Eight Seasons of Survey and Excavation at Shahdad (Lut Plain) 1968-1975*. Edited: Mahmood Moosavi, Tehran: Research Center for ICHHTO and Iranian Center for Archaeological Research.
- Heidary, M., Desset, F., & Vidale, M. 2018. Bronze Age Glyptics of Eastern Jazmurian, Iran. *Paléorient*, 44(1), 133-153.
- Heidary, M., Desset, F., & Vidale, M. 2019. A Late 4th-Early 3rd Millenium B.C. Grave at Spidej (Eastern Jazmurian, Iranian Baluchistan). *Iranica Antiqua*, 54.
- Heydari, M., Nashli, H. F., Cortesi, E., & Vidale, M. 2015. A surface collection at Chegerdak, a Bronze age centre in the Jazmurian basin (South-Eastern Iran). *Paléorient*, 133-155.
- HosseinAbadi, Z. Dadvar, A. 2011. Symbolic study of plant motifs of Shahr-iSokhta pottery, *Theoretical Principles of Visual Arts*, 2 (2): 47-64.
- Janbazi, F. 2012. Mutifs Scorpion in the works of prehistoric of Iranian civilization. *Quarterly Journal of Jelve-y-Honar*, 4 (1): 15-30.
- Kambakhshfard, S. 2001. *Pottery in Iran: from neolithic period to the present*. First edition,

The third millennium BC (the Bronze Age) has been coincident with huge changes; this period's exchange networks have been used to connect the biggest urban areas located in the Eastern and the Western Iran by trade roads. The most significant archeological sites in this region, that played a significant role in trade transactions, include Konar Sandal, Shahdad, Tepe Yahya, Tal-i Eblis, etc. in Kerman Province, and Shahr-i Sokhta, Bampour, Khourab, Damin, Spidej, Chegerdak, and Keshik in Sistan and Balouchistan.

This period's art is turned into a balanced surface for holding holy rituals, while environmental and biological concepts have been used either to decorate handicrafts or to author great textbooks.

In Iran's Southeastern archeological sites, including Shahr-i Sokhta, Keshik, Chegerdak, Bampour and Spidej, etc. intact and broken pottery wares have been discovered in different sizes. These pottery wares included animal motifs such as scorpions, rams, fish, birds, and goats which are easily identified considering this region's particular ecology. Goat as one of the most prevalent animal motifs on Southeastern pottery wares can be found on different gray, red, and beige pots, either in form of a single animal in spate frames or a row of goats in black or brown, depicted one after another. Two hypotheses are presented for such motifs: 1) the artist has depicted a sequence of goats after each other, or 2) it is only one goat that is moving and jumping.

The animation is defined as a fast-consecutive illustration of a two-dimensional work of art or a real-life situation which creates an illusion of movement. It is worth mentioning that the development of the concept of animated motifs and prehistoric artists' acquaintance with the moving images or, in modern terms, with the animation, are neither random nor specific to the animation depicted on Shahr-i Sokhta goblet. There are many similar animations on Southeastern pottery works from Tepe Sadegh and Keshik cemetery as well. The artists have used different animal motifs such as fish, goat, and birds to create the illusion of movement.

Some of the prevalent motifs used on this period's pottery wares depict goats standing under a tree, mating and feeding the kid, as abstract and stylized motifs in a single-frame and multi-frame format, in accordance with national folklore. Finally, animated motifs existed elsewhere in the Southeastern region, especially in Sistan and Balouchistan as well as Shahr-i Sokhta, and Tepe Sadegh as one of the associated sites to Shahr-i Sokhta. Keshick archeological site, located in Nikshahr, is another instance. Furthermore, semi-animated goat motifs exist on pottery wares taken from sites such as Shahr-i Sokhta and Chegerdak. The static motif of the goat is also observable on all pottery wares from the Southeastern part of Iran including Shahr-i-Sokhta, Keshik, Bampour, Spidej, and Chegerdak.

Keywords: Painted Pottery, Goat Symbol, Imagery, Ancient Animation, Bronze Age

References : Afzaltousi, E. 2012. Rug the preserver of wild goat figure since the ancient times. *Negareh Journal*, 7(21), 55-67.

Anabestan, M., Anabestani, S., Ahmadian, E., 2012. Enjoying entrepreneurs and back to the values in the art animation Iran. National conference entrepreneurship and manage the businesses science foundation, Babolsar, company research of the Toroud North.

Aref, M. 2018. Finding out Iranian 1500-years animation thought at Taghbostan of Kermanshah,. *Honar--Ha-Ye-Ziba:Honar-Ha-Ye-NamayeshiVaMosighi*, 23(2), 15-22. doi: 10.22059/jfadram.2018.65724.

Azarandaz, A. 2014. On the Literary Significance of Drakht-I Asurik. *Journal Management System*, 4 (4), Pp: 1-18.

Azarnoush, M., &Helwing, B. 2005. Recent archaeological research in Iran—Prehistory to Iron Age. *ArchäologischeMitteilungenaus Iran und Turan*, 37, 189-246.

Bakhtiari Shahri, M. 2009. Survey and Study of Newly Found Epigraphs from Toos Plain. *Journal*

Imagery with Goat Motif on Pottery Artifacts Remaining from the Bronze Age in Southeastern Part of the Iranian Plateau

Yasin Sedghi M.Sc. in Archaeometry, Department of Archaeometry, Faculty of Cultural Materials Conservation, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Mehdi Razani, Assistant Professor, Department of Archaeometry and Restoration, Faculty of Cultural Materials Conservation, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Received: 2019/06/03 Date of Revision: 2019/06/14 Date of Review: 2019/10/05 Accepted: 2019/11/22



The design of the animal motif of goat is one of the unique features of some pottery in the southeast of the Iranian Plateau in the ancient times, especially in the third millennium B.C., which helps to distinguish between the pottery of this area and other archaeological sites in the country. The goat images on prehistoric pottery in the southeast of Iran have been made in various forms, depicting semi-naturalism and abstraction (pectiform), or distinct racial components (long and crescent horns). In the present research, the animal motifs of wild goat on pottery of the archaeological sites of Shahr-i Sokhta (Burnt City), Tepe Sadegh in Sistan, Bampur, Keshik, Spidej and Chegerdak in Baluchistan have been studied. In general, they can be divided into the immobile, semi-animated and animated categories in terms of their imagery. In the present study it has been tried to explain these three categories in the aforementioned sites by introducing new samples of pottery in the southeastern region. The present study is descriptive-analytical, and it has used a variety of library-based descriptive methods as well as field studies (including repairing-related activities and technical studies conducted on pottery wares discovered from the Southeastern Iran) to gather required data.

Pottery has been the main source of artistic endeavors and desires for pre-historical people. This can be observed in the production of different forms of pots. The outer surface of pottery wares was like a canvas on which the painters and artists could depict their art and thoughts. Therefore, to better understand pre-historical people's lifestyle, we can analyze the motifs depicted on pottery wares. An investigation on pottery motifs is considered significant because in a way, some of them are considered as pieces of script or writing, used by the artists to convey their concepts, thoughts, beliefs, and values.

Archeological studies have illustrated that goats have been first domesticated in Helali valley, located in Eastern Mediterranean region, while they have been domesticated in Iran's Ganjdareh by 8000 BC. One of the oldest animated motifs in Iran is the goat motif on Shahr-i Sokhta's goblet which has been registered as the first Iranian animation in history.